

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسئله ایندولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»

۲۶ می ۲۰۲۰

جلسه اضطراری سران قریش برای مقابله با دین اسلام

مردم قریش به خصوص سران قریش از فعالیت رسول الله صلی الله علیه وسلم و به خصوص نشر دین اسلام که بشدت در حال نشر و پخش بود، سخت سرگردان و حیران مانده بودند، نمی دانستند که چگونه در مقابل آن اقدام نموده، و چه شعاری را در پیش گیرند تا ساحاً تبلیغاتی دین اسلام را در بین مردم تضعیف و خنثی سازند.

در این میان از آغاز تصمیم رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد این که تبلیغ دین را به طور علنی در بین مردم شروع نموده بود چند روز و ماه سپری نمی گردید، و از جانب دیگر زمان مراسم حج هم فرا رسیده بود، و حضور زیادی از مردم قبایل در مراسم حج هم نزدیک بود.

طوری که در فوق هم یاد آور شدیم، سران قریش سخت نگران بودند که مردم قبایل سخنان محمد صلی الله علیه وسلم را گوش خواهند داد، و تعداد زیادی از مردم قبایل عربی به دین محمد جذب خواهند شد، ضروری و لازمی دانستند تا چاره ای را جست و جو نمایند و شعارهای تبلیغاتی را به راه بیندازند تا بتوانند تبلیغات رسول الله صلی الله علیه وسلم و یاران او را در بین قبایل مختلف عرب بی اثر و خنثی ساخته و جلو نشر و پخش دین اسلام را بگیرند.

همان سران مهم قریش در یک محل جمع شدند و به نزد ولید بن مغیره رفتند و به مباحثه و مذاکره با یک دیگر پرداختند. ولید بن مغیره از مشهورترین، و از جمله فصیحترین دانشمندان و شاعران قریش، پدر خالد بن ولید و کاکای ابوجهل مشهور بود. شهرت علمی و فصاحت آن به حدی بود که عده ای او را حکیم عرب بشمار می آوردند.

بعد از این که سران قریش نزد ولید بن مغیره رفتند، وی خطاب به سران قریش گفت:

در این خصوص، همگی اجماع کنید و یک سخن و یک زبان شوید، و هر یک به راهی نروید، تا در نتیجه ناخواسته یکدیگر را تکذیب کنید و در برابر آراء و نظرات یک دیگر قرار بگیرید!

سران قریش به ولید بن مغیره گفتند: تو خود بگویی که چه باید گفت و چه باید کرد؟ و برای ما یک نقطه نظر و به اصطلاح یک شعار واحدی پدیدآور که همه همان را بگوئیم!

ولید بن مغیره خطاب به سران قوم گفت: به عکس، شما بگوئید تا من بشنوم!

گفتند: می گوئیم: محمد کاهن است!

ولید بن مغیره گفت، نه به خدا، او کاهن نیست! ما بسیار کاهنان را دیده ایم، این با وردها و سجعهای کاهنان بسیار متفاوت است!

سران قریش گفتند، می‌گوئیم: مجنون است!

ولید بن مغیره گفت: او مجنون نیست! ما جنون را فراوان مشاهده کرده‌ایم و نیک می‌شناسیم که جنون چیست. هیچ یک از علائم جنون از قبیل عوارض جسمانی، درگیری‌های عاطفی و روانی، و حالات وسواس و نابسامانی را در وجود او نمی‌یابیم! سران قریش گفتند: می‌گوئیم: شاعر است!

ولید بن مغیره گفت: او شاعر نیست! ما انواع مختلف شعر: رجز و هزج و قریض و مقبوض و مبسوط را خوب می‌شناسیم، این شعر نیست!

سران قریش گفتند: می‌گوئیم: ساحر است!

ولید بن مغیره گفت: وی ساحر هم نیست! ما جادوگران و جادوهایشان را فراوان دیده‌ایم، نه دمیدنی در کار او هست، و نه گره زدنی!

سران قریش گفتند: پس چه بگوئیم؟

ولید بن مغیره گفت: به خدا! سخنان وی شیرینی خاصی دارد، و از آب و رنگی کم‌نظیر برخوردار است، ریشه‌های سترگ دارد، و شاخه‌هایی پر بار، هر یک از این سخنان را که شما بخواهید مطرح کنید بر همگان معلوم می‌شود که باطل است، باز هم از همه بهتر همین است که بگوئید: ساحر است! گفتاری آورده است که سحر است، میانه شخص را با پدرش، با برادرش، با همسرش و با خاندانش به هم می‌زند!

قریشیان همین رأی و نظر را از او گرفتند و پراکنده شدند. (سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۷۱؛ بیهقی و ابونعیم نیز در دلایل و دیگر آثارشان آورده‌اند.)

برخی روایات حاکی از آن‌اند که وقتی ولید تمامی پیشنهادات قریشیان را رد کرد، سران قریش گفتند: آن رأی و نظر بی‌حرف و سخن خودت را به ما ارائه کن!

ولید گفت: مهلتی به من بدهید تا در این باره فکر کنم! مدتی اندیشید و اندیشید، تا سرانجام همان رأی و نظری را که اخیراً از او نقل شده، برای آنان ابراز کرد.

پروردگار با عظمت هم شانزده آیت از سوره مدثر (آیات ۱۱ تا ۲۶) (ظاهراً آیات ۱۱ تا ۳۱) را در ارتباط با ماجرای مشوره های قریش و اظهار نظر ولید بن مغیره نازل فرموده است که ضمناً بیانگر چگونگی بررسی و برخورد موضعگیری ولید است:

«إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ۱۸ فُقِّلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۱۹ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۲۰ ثُمَّ نَظَرَ ۲۱ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ۲۲ ثُمَّ أَدْبَرَ ۲۳ وَأَسْتَجَبَرَ ۲۴ فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ ۲۴ إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ۲۵» (سوره المدثر: ۱۸-۲۵). (همانا او (برای مبارزه با قرآن) اندیشید و سنجید. (۱۹) پس مرگ بر او باد چگونه سنجید؟! (۲۰) باز مرگ بر او باد چگونه سنجید؟! (۲۱) باز نگریست. (۲۲) باز روی ترش کرد و پیشانی در هم کشید. (۲۳) باز پشت گردانید و تکبر کرد. (۲۴) پس گفت: این (قرآن) چیزی جز جادوی نقل شده (از پیشینیان) نیست. (۲۵) و این (قرآن) نیست مگر گفته بشر.)

به هر حال، شورای رهبری قریش به اتخاذ این تصمیم‌گیری به جلسه مشورتی خویش پایان دادند، در پی اجراء و تطبیق فیصله مصروف کار و فعالیت شدند. بدین ترتیب سران قوم قریش در موسم حج، سر راه کاروان های حجاج می نشستند و هرکس که بر آنان می‌گذشت، او را از گرایش به دین جدید بر حذر می‌داشتند، و قضیه دعوت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را برای آنان مطرح می‌کردند. (سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۷۱.)

در مقابل رسول الله صلی الله علیه وسلم در مقام دعوت و تبلیغ، هر جا که حاجیان و مسافران خیمه می زدند، به خصوص در محلاتی چون: عکاظ و مجنّه و ذوالمجاز، مردم قبایل را به دین خدا دعوت می‌کردند، و ابولهب از پشت

سر آن حضرت می‌آمد و می‌گفت: که این مرد از دین برگشته و دروغگو است. (این کار ابولهیب را امام احمد در مسند خود روایت کرده است: ج ۳، ص ۴۹۲؛ ج ۴، ص ۳۴۱؛ نیز نک: البداية والنهاية، ج ۱۲، ص ۴۴۹-۴۵۰). نتیجه این شد که آن سال، همه کسانی که از قبائل مختلف عرب به حج رفته بودند، با اطلاع کافی از اخبار دعوت رسول الله صلی الله علیه وسلم از موسم حج بازگشتند، و صیت شهرت و دعوت حضرت محمدبن عبدالله صلی الله علیه وسلم در سراسر بلاد عرب درخشید.

درین اشاعه حق و دین مبین اسلام به علاوه برتری خود دین مبین اسلام، روشها و برخوردهای نادرست کفار سبب بلند و اشاعه نام اسلام در بین مردم شد و با رسیدن حق به گوش مردم توسط مسلمانان مردم به اسلام رو آوردند و حق اشاعه یافت و صفوف مسلمان بزرگ و بزرگتر شد. الله اکبر - نعم المولى و نعم الوكيل

پایان

تتبع و نگارش :

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

مدیر مطالعات ستراتیژیک افغان و مسؤل مرکز کلتوری دحق لاره-جرمنی